

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صص ۱-۳۱

همگونی همخوان‌ها در زبان ترکی زنجان: رویکرد هندسه مشخصه‌های واجی

مینا مهدیخانی**

محمدجواد حجازی*

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی فرآیند همگونی همخوان‌ها در زبان ترکی زنجان می‌پردازد و برای نخستین بار آن را در چارچوب نظریه هندسه مشخصه‌ها توضیح می‌دهد و مشخصه‌هایی که به‌طور مرتب و عمدتاً درگیر فرآیند همگونی همخوان با همخوان در زبان ترکی گونه زنجان است را مشخص می‌کند. مسئله پژوهش حاضر قابلیت تبیین فرآیند همگونی در زبان ترکی زنجان بر اساس هندسه مشخصه‌های واجی است و اینکه یافته‌های زبان ترکی چه پیامدهایی برای نظریه هندسه مشخصه‌ها به همراه دارد. برای نیل به این مقصود با توزیع پرسشنامه به گویشوران و جمع‌آوری داده‌ها از کتب مختلف و با اتخاذ الگوی هم‌آمدگی - محور به تحلیل داده‌ها پرداخته شد. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بود که فرآیند همگونی همخوان‌ها در زبان ترکی زنجان و در

hejazi_mj@yahoo.com

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (نویسنده مسئول) mahdikhani_mina@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۱/۰۷

چارچوب نظریه هندسه مشخصه‌های واجی، قابل تبیین است و اکثر همگونی‌ها در شیوه تولید صورت گرفته و منجر به همگونی کامل می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: همگونی همخوان با همخوان، نظریه هندسه مشخصه‌های واجی، زبان ترکی زنجانی، مشخصه‌های تمایزدهنده، همگونی کامل.

۱. مقدمه

«یکی از متداول‌ترین انواع فرایندهای واجی همگونی است. در این فرایند، نوعی ساده‌سازی حرکات عضلانی که برای تولید یک واژه یا عبارت ضروری است، به وجود می‌آید» (کامبوزیا، ۱۳۹۲: ۱۶۷). فرایند همگونی، تقریباً در تمام زبان‌های دنیا پدیده‌ای رایج است. پژوهش حاضر برآن است تا همگونی همخوان‌ها را در ترکی گونه زنجان مورد بررسی قرار دهد. اساس ترسیم ساختمان سلسله مراتبی مشخصه‌ها، الگویی است که توسط کلمنتس و هیوم (۱۹۹۵) پیشنهاد شده است. سوال اصلی مطرح در این پژوهش به این ترتیب است «آیا هندسه مشخصه‌ها قابلیت تبیین این فرایند را در زبان ترکی دارد؛ و اینکه یافته‌های گویش زنجانی چه پیامدهایی برای نظریه هندسه مشخصه‌ها به همراه دارد». روش تحقیق نیز به صورت نظری و روش انجام آن به صورت میدانی است. داده‌ها از طریق ارائه پرسشنامه به گویشوران بومی، همچنین استفاده از منابع مکتوب به ویژه کتاب واج‌شناسی قاعده‌بنیاد جمع آوری شده است و یکی از نویسندگان، گویشور بومی این زبان است.

برای انجام این پژوهش، ابتدا آثاری که در این حوزه تالیف شده اند، مورد مطالعه قرار گرفتند. سپس با معرفی مبانی نظری هندسه مشخصه‌های واجی و الگوی هم‌آمدگی - محور کلمنتس و هیوم (۱۹۹۵) و انواع همگونی‌ها و اتخاذ روش تحقیق مناسب داده‌ها مورد

بررسی قرار گرفت. نهایتاً به سوال این پژوهش پاسخ داده شد که آیا در زبان ترکی زنجان می‌توان فرایند همگونی را در چهارچوب نظریه هندسه مشخصه‌های واجی مورد تحلیل قرار داد یا خیر.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق کمی است و داده‌های این مقاله به روش میدانی گردآوری شده و شامل استفاده از کتب ترکی و داده‌هایی که از مکالمات روزمره افراد بومی ضبط شده است و مشاهدات یکی از نگارندگان که خود گویشور زنجان است؛ می‌باشد. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، نظریه هندسه مشخصه‌ای واج‌ها و الگوی هم‌آمدگی-محور معرفی شده، سپس انواع همگونی همخوان‌ها بر طبق سه مشخصه محل تولید، شیوه تولید و واگذاری با ذکر مثال معرفی شده و نهایتاً داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

۳. پیشینه پژوهش

نظریه هندسه مشخصه‌ها مبحثی در واج‌شناسی است که مشخصه‌های توصیف‌کننده آواها را عناصری بدون ساختار و درهم‌ریخته نمی‌داند، بلکه برای آن‌ها ساختار هندسی مشخصی قائل است. از جمله مطالعات غیر ایرانی و ایرانی در حوزه نظریه هندسه مشخصه‌ها به شرح زیر هست.

پژوهش‌های پیش از سال ۲۰۰۰ شامل پارادی و پرونه (۱۹۸۹)، کوهن (۱۹۹۲)، هیورا و همکاران (۱۹۹۲) رایس (۱۹۹۲)، استمبرگر (۱۹۹۳) و کاوار (۱۹۹۷) است. در قرن ۲۱

وونگ و استوکس (۲۰۰۱) در جهت توسعه نظام واجی انگلیسی به توضیح شکل‌گیری لایه‌های زنجیری و نوایی در نظام واجی کودکان در زبان کانتونی پرداختند. در این بین، استان (۲۰۰۳) واکه‌ها را در چارچوب الگوهای هندسه مشخصه‌ها بررسی می‌کند. در مطالعه دیگری مورن (۲۰۰۶) نظام‌های واجی و تکواژی در زبان صربی را مورد توجه قرار داده است. هال (۲۰۰۸) به‌عنوان یکی از مطالعات نسبتاً جدید، خنثی‌شدگی [s] و [ʃ] را به [ʃ] بعد از [t] در بسیاری از گویش‌های امروزی زبان آلمانی بررسی می‌کند.

از مطالعات ایرانی انجام شده می‌توان به بررسی فرایند همگونی در گویش جهرمی بر پایه نظریه کلمنتس اشاره کرد. رنجبر و زارع (۱۳۸۷) در مقاله‌ای، قاعده همگونی یک همخوان با همخوان دیگر در سه مشخصه محل تولید، شیوه تولید، واکداری و نیز همگونی همخوان با واکه و تضعیف را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که فرایند تضعیف در این گویش بیش‌تر از دیگر انواع همگونی مشاهده می‌شود. این مطالعه علاوه بر اینکه انواع همگونی را بررسی کرده، تعیین می‌کند که کدام نوع همگونی در این گویش به فراوانی دیده می‌شود.

از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده توسط کامبوزیا و ثابتی (۱۳۹۲) است که به بررسی فرایندهای واجی همخوانی در گویش کردی کلهری می‌پردازند. در این پژوهش نگارندگان به شناسایی برخی از مهم‌ترین فرایندهای واجی موجود در همخوان‌های گویش کردی کلهری هم‌چون همگونی، بر اساس «چارچوب واج‌شناسی زایشی» پرداخته‌اند. در این مقاله با بررسی داده‌ها انواع فرایندهای واجی، همچون همگونی، حذف در جایگاه میانی و پایانی، درج آغازی و میانی، تضعیف، تقویت و قلب بررسی شده‌اند «حذف» و «تضعیف» پربسامدترین فرایندهای واجی در این گویش هستند و «درج» کم‌بسامدترین فرایند واجی

محسوب می‌شود. علاوه بر پژوهش‌های انجام‌شده بر روی گویش‌های مختلف، پژوهشی هم بر روی زبان فارسی انجام شده است.

زاهدی و فخاریان (۱۳۹۰) به بررسی همگونی همخوان‌ها در زبان فارسی نوین با رویکرد واج‌شناسی هندسه مشخصه‌ها پرداخته‌اند. نویسندگان در این پژوهش همگونی همخوان‌ها را در زبان فارسی از دیدگاه گره‌ها، فضاها و انواع همگونی‌ها که در فرآیند همگونی دخیل هستند، تحلیل کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که همگونی همخوان با همخوان در زبان فارسی به گره‌های واج‌گاه همخوان، واکه و مشخصه‌های پایانی حساس است. همچنین بالاترین محل‌های تولیدی که در آن همگونی همخوان با همخوان صورت می‌گیرد، شیوه‌های تولید، خیشومی و به‌طور قطع کناری است. یافته‌های همگونی در زبان فارسی مدعای هندسه مشخصه‌ها را تایید می‌کند.

از دیگر مطالعات ایرانی انجام شده عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا، محمدجواد حجازی و لایلا رحمتی‌نژاد (۱۳۹۵) است که به بررسی فرآیند همگونی همخوان با همخوان در گویش دماوندی با رویکرد هندسه مشخصه‌های واجی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که گویش دماوندی در چهارچوب نظریه هندسه مشخصه‌های واجی قابل تبیین است.

این مطالعات و تحقیقاتی از این دست، گستره نظری و همچنین کاربرد واج‌شناسی هندسه مشخصه‌ها را نشان می‌دهد. پس با عنایت به این پیشینه، در پژوهش حاضر، چهارچوب هندسه مشخصه‌ای واج‌ها برای بررسی زبان ترکی انتخاب می‌شود.

۴. چهارچوب نظری پژوهش

نظریه هندسه مشخصه‌ها مبحثی در واج‌شناسی است که مشخصه‌های توصیف‌کننده آواها را عناصری بدون ساختار و درهم‌ریخته نمی‌داند، بلکه برای آن‌ها ساختار هندسی مشخصی قائل است که در آن، مشخصه‌ها به‌گونه‌ای منظم و سلسله‌مراتبی درون ساختار واج قرار گرفته‌اند (نوربخش بیدختی و استاجی، ۱۳۹۱). نظریه هندسه مشخصه‌های واجی (کلمنتس، ۱۹۸۵؛ مک کارتی، ۱۹۸۸ و کلمنتس و هیوم، ۱۹۹۵) در وهله اول به این موضوع می‌پردازد که چگونه مشخصه‌های تمایزدهنده مختلف توسط قواعد واجی مرتب می‌شوند. آن‌گونه که مشخص شده است در فرایندهای واجی چون همگونی، مشخصه‌های معینی به‌صورت یک سازه باهم عمل می‌کنند درحالی‌که در مورد بقیه مشخصه‌ها چنین رفتاری هرگز اتفاق نمی‌افتد؛ بنابراین، همه مشخصه‌ها در بازنمایی‌های واجی به‌طور یکسان رفتار نمی‌کنند و این نیاز احساس می‌شود که عملکرد مشخصه‌ها از افق جدیدی توضیح داده شود. (زاهدی و فخاریان، ۱۳۹۰).

در این رویکرد مشخصه‌ها به شکل سلسله‌مراتبی آرایش می‌یابند. در این سلسله‌مراتب، هر مشخصه در یک لایه^۱ مستقل قرار می‌گیرد. مشخصه‌های مرتبط با یکدیگر، به یک گره بالاتر متصل می‌شوند تا یک سازه^۲ مجزا را به وجود آورند. سپس آن‌ها، در رابطه با قواعد فرایندهای واجی، مانند یک واحد عمل می‌کنند. گره‌ها به وسیله خطوطی به هم مربوط می‌شوند. تحلیل حاضر در قالب کلمنتس و هیوم (۱۹۹۵) صورت گرفته است. (زاهدی و فخاریان، ۱۳۹۰).

¹ tier

² constituent

۴-۱. الگوی هم‌آمدگی-محور^۱

الگوی هم‌آمدگی-محور در کلمنتس و هیوم (۱۹۹۵: ۲۷۷-۲۷۵) به شرح زیر آمده است: این الگو برحسب هم‌آمدگی در مجرای دهان، در هنگام تولید واحد واجی، شکل گرفته است. هم‌آمدگی برحسب درجه و مکان هم‌آمدگی تعریف می‌شود. جایگاه هم‌آمدگی به واسطه اندام گویایی فعال که درگیر فراگویی است تعیین می‌شود. چنان که در شکل (۱) مشخص است گره دهانی^۲ برای مشخصه‌های همخوانی، گره هم‌آمدگی را در سلسله مراتب تشکیل می‌دهد. در رابطه با همخوان‌ها، مکان هم‌آمدگی به واسطه گره واجگاه همخوان^۳ و درجه هم‌آمدگی از طریق گره پیوسته^۴ مشخص می‌شود. تحلیلی که در این مقاله صورت می‌گیرد بر اساس الگوی هم‌آمدگی-محور کلمنتس و هیوم (۱۹۹۵) است.

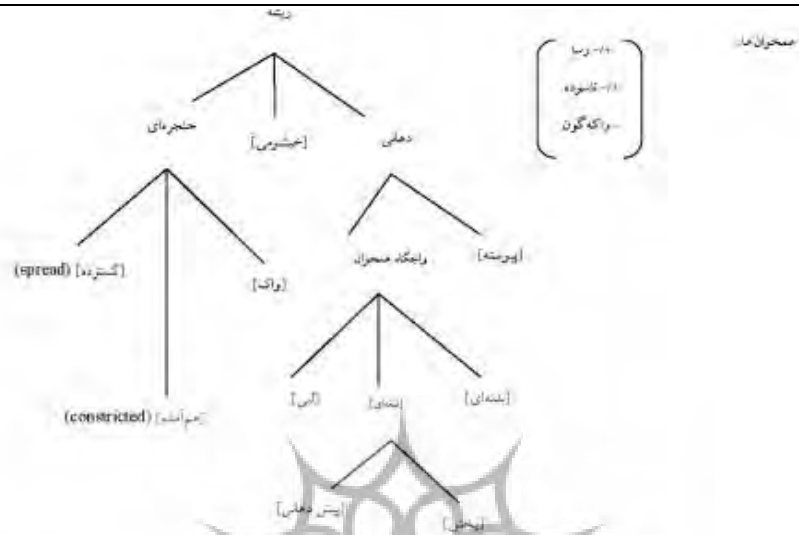


¹constriction-based model

²oral cavity node

³C-place node

⁴Continuant node



شکل ۱) سلسله‌مراتب مشخصه‌ای همخوان‌ها (کلمنتس و هیوم، ۱۹۹۵: ۲۹۲)

در این قسمت ابتدا انواع همگونی معرفی می‌شود و سپس فرایند همگونی همخوان با همخوان در چارچوب این نظریه بررسی می‌شود و برای هر قاعده همگونی مثالی ذکر می‌شود.

۲-۴. فرایند همگونی

زبان‌شناسان همگونی را یکی از رایج‌ترین فرایندهای واجی می‌دانند که در آن یک آوا به آوای مجاور شباهت پیدا می‌کند. مک کارتی (۱۹۸۸) همگونی را گسترش یک مشخصه بر حوزه‌ای وسیع‌تر از یک واج می‌داند و آن را در ساخت مطرح می‌کند و به دنبال این فرض، بنیاد هندسه مشخصه‌ای را پایه‌ریزی می‌کند که اولین بار توسط گلد اسمیت (۱۹۸۱) ارائه شد و سپس کلمنتس (۱۹۸۵) آن را مطرح کرد. فارتنانی می‌نویسد: «درواقع، همگونی به

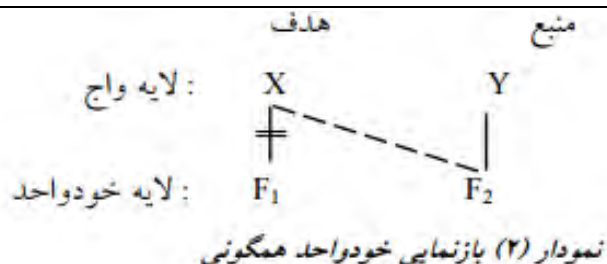
فرایندهای مختلف کیفی یا همسان شدگی اشاره می‌کند. تغییرات کیفی در همگونی، جنبه شنیداری تحلیلی واجی را نشان می‌دهد. همگونی متعلق به حوزه توانش زبانی است که از طریق قواعد واجی توجیه می‌شود و اشاره به تغییراتی می‌کند که در مشخصه‌ها صورت می‌گیرد بنابراین فرایندهای همگونی، بخشی از دستور خاص زبان محسوب می‌شوند، هرچند که در همه زبان‌ها دیده می‌شود» (هاردکاسل^۱ و لی‌ور^۲، ۱۹۹۷: ۲۷۶).

کلمتس و هیوم بر اساس طبیعت واحد واجی هدف، دو نوع همگونی را بازمی‌شناسند. بر این اساس، اگر مشخصه‌هایی که پیش‌تر، بخشی از واحد واجی هدف نبودند، گسترده شوند، قاعده به شکل پرکردن مشخصه عمل می‌کند. اگر مشخصه‌هایی که بخشی از واحد واجی هستند جایگزین شوند، قاعده همگونی به شکل تغییر مشخصه عمل می‌کند. (زاهدی و فخاریان، ۱۳۹۰).

کامبوزیا (۱۳۹۲: ۱۶۷) نیز همگونی را یکی از متداول‌ترین انواع فرایندهای واجی می‌داند که تقریباً در تمام زبان‌های دنیا، پدیده‌ای رایج محسوب می‌شود. او می‌افزاید در همگونی یک واحد واجی به واحد واجی دیگر در یک یا چند مشخصه شبیه می‌گردد. او همگونی را «گسترش» مشخصه(های) عنصر واجی منبع به عنصر واجی هدف و هم‌زمان با آن «حذف» مشخصه(های) عنصر واجی هدف تعریف می‌کند و قاعده کلی آن را به صورت زیر نشان می‌دهد:

¹ Hardcastle

² Laver



وی بیان می‌دارد که در این بازنمایی X و Y در لایه واج نشان‌دهنده عناصر واجی هستند. نمادهای F1 و F2 مشخصه‌های هرکدام از عناصر واجی را نشان می‌دهند که در لایه خودواحد قرار دارند. خط‌چین گسترش یک مشخصه خودواحد را بازنمایی می‌کند که هم‌زمان با گسترش مشخصه منبع، مشخصه هدف قطع می‌شود (کامبوزیا و همکاران، ۱۳۹۵). همگونی را می‌توان به لحاظ «پیوستگی»، «جهت» و «درجه شباهت» به سه دسته طبقه‌بندی کرد:

۴-۲-۱ همگونی به لحاظ پیوستگی

همگونی به لحاظ «پیوستگی» به دو دسته همگونی نزدیک و دور تقسیم می‌شود (کامبوزیا، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

۱. همگونی نزدیک: همگونی نزدیک معمولاً بین دو همخوان یا یک واکه و یک همخوان پدید می‌آید و عبارت است از تأثیر واحدهای واجی مجاور بر یکدیگر است، مانند:

/panbe/ → /pambe/

۲. همگونی دور: همگونی دور در بین واکه‌ها به صورت نوعی هماهنگی واکه‌ای یا اواملات دیده می‌شود و عبارت است از تأثیر واحدهای واجی غیرمجاور بر یکدیگر.

/bekhor/ → [boχor]

۲-۲-۴ همگونی به لحاظ جهت

به لحاظ جهت همگونی به سه دسته قابل تقسیم است:

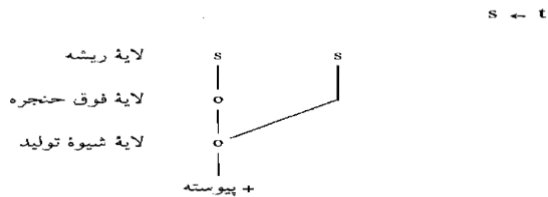
۱. همگونی پیش‌رو: در همگونی پیش‌رو، یک آوا روی آوای بعد از خود تاثیر می‌گذارد و در یک یا چند مشخصه، آن آوا را شبیه خود می‌کند. در مثال زیر /t/ تحت تاثیر واحد واجی /s/ قبل از خود به /s/ تبدیل می‌شود در این نوع همگونی، همخوان نخست ثابت می‌ماند و همخوان دوم را شبیه خود می‌سازد (کامبوزیا، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

/peste / → [pesse]

نمودار (۳) همگونی پیش‌رو



ج) بازنمایی روساختی



۲. همگونی پس‌رو: در این نوع همگونی، یک واحد واجی روی واحد واجی قبل از خود تأثیر می‌گذارد و در یک یا چند مشخصه، آن واج را شبیه خود می‌کند. آراتو (مدرسی، ۱۳۷۱: ۱۱۸) می‌نویسد: «همگونی پس‌رو، فرایندی است که طی آن یک همخوان با همخوانی که پیش از آن می‌آید، شبیه می‌شود. وقوع پیش از موقع حرکات عضلانی که برای تولید همخوان بعد آماده می‌شوند، علت اصلی این دگرگونی است». در جمله «انگامث من بو» در گویش جهرمی، واحد واجی /b/ روی واحد واجی ماقبل خود /n/ تأثیر می‌گذارد و در مشخصه محل تولید آن را شبیه خود می‌کند. (رنجبر و زارع، ۱۳۸۷).



نمودار (۴) همگونی پس‌رو

همگونی دوسویه: در این نوع همگونی، دو واحد واجی مجاور روی یکدیگر تاثیر متقابل دارند در مثال زیر /j/ و /t/ در هم ادغام شده‌اند و یک انسایشی تولید می‌شود (کامبوزیا، ۱۳۹۲: ۱۷۰).

/ daunt ju/ → [dauntju] "don't you"

۴-۲-۳. همگونی به لحاظ درجه شباهت: همگونی کامل و ناقص

این نوع همگونی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. همگونی در یک مشخصه: یک مشخصه به واحد واجی مجاور گسترده می‌شود؛ مانند گسترش مشخصه [پسین] یک واکه به همخوان بدنه‌ای قبل از واکه در کلماتی مانند «کار» و «کیف» به ترتیب به صورت [kar] و [cif].

۲. همگونی در چند مشخصه: مشخصه‌های موجود در گره‌های میانی در نمودار درختی، به جایگاه عنصر واجی مجاور گسترده می‌شوند.

۳. همگونی کامل: در این نوع همگونی، همه مشخصه‌های یک واحد واجی، به یک واحد واجی دیگر گسترده می‌شود که در آن هر دو واج، از هر نظر به هم شبیه هستند. مثال همگونی همخوان /l/ در نکواژ معرفه /ʔal/ در زبان عربی، با همخوان تیغه‌ای آغاز ستاک

اسمی: / ʔal+[ams] / → [ʔa][ams]

طبقه‌بندی‌های کلی و جزئی در مورد همگونی، اهمیت مطالعه مشخصه‌ها را بیش‌تر مورد توجه قرار می‌دهد. طبقات طبیعی در گزاره‌های واجی برحسب مشخصه‌ها تعریف می‌شود. منظور از طبیعی بودن طبقات، تکرارپذیری آن‌ها، در یک‌زبان یا در زبان‌شناسی مرز گذر است

(کامبوزیا: ۱۳۹۲، ۱۷۱).

۴-۳. فرایندهای همگونی

۴-۳-۱. همگونی همخوان با همخوان

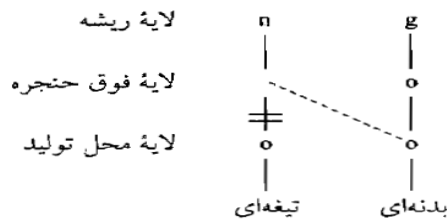
در این بخش پس از معرفی همگونی همخوان‌ها در زبان فارسی به تبیین داده‌ها در ترکی زنجان پرداخته می‌شود

۴-۳-۱-۱. همگونی در مشخصه محل تولید

در بسیاری از زبان‌ها از جمله فارسی، خیشومی /n/ در مشخصه محل تولید با همخوان دهانی بعد از خودش در مشخصه محل تولید لبی همگون می‌شود (زاهدی و فخاریان، ۱۳۹۰). در فرایند همگونی همخوان با همخوان در مشخصه محل تولید، دو همخوان دارای گره طبقه‌ای محل تولید مشترک خواهند شد (زارع و رنجبر، ۱۳۸۷). در ادامه مثالی از همگونی /n/ به واج بدنه ای /b/ آورده شده است. در گویش جهرمی در واژه انگار در جمله «انگا مت من بو» همگونی در مشخصه محل تولید رخ می‌دهد.



ب) گسترش مشخصه محل تولید متبع و قطع مشخصه هدف این علامت (\neq) نشانه قطع پیوند است.



ج) بازنمایی روساختی

$\eta \leftarrow n$



۴-۳-۱-۲. همگونی در مشخصه نحوه تولید

در این حالت از همگونی، هنگامی که یک همخوان در مشخصه شیوه تولید با همخوان دیگری همگون می‌شود، دو همخوان دارای گره طبقه‌ای شیوه تولید مشترک خواهند بود (زارع و رنجبر، ۱۳۸۷).

در موارد فوق، مشخصه نحوه تولید به تنهایی به صورت یک خودواحد عمل می‌کند و می‌تواند در لایه‌ای مستقل قرار گیرد. این مشخصه، مستقل از مشخصه‌های محل تولید و یا واک عمل می‌کند و هیچ‌گاه دو مشخصه نحوه تولید در یک فرایند به‌طور هم‌زمان و باهم به کار نمی‌روند. از این رو فاقد گره میانی در نظام سلسله مراتبی مشخصه‌ها هستند. فرایندهای

همگونی که در آن یک مشخصه مربوط به نحوه تولید وجود دارد، همیشه منجر به همگونی کامل می‌شود (کامبوزیا، ۱۳۹۲: ۱۷۷). به عنوان مثال، در مشخصه [پیوسته] نیز همگونی فقط از نوع همگونی کامل یا نوعی تشدید خواهد بود زیرا گره ریشه از یک عنصر واجی به عنصر واجی دیگر گسترده می‌شود. این مثال فارسی موضوع را تأیید می‌کند:

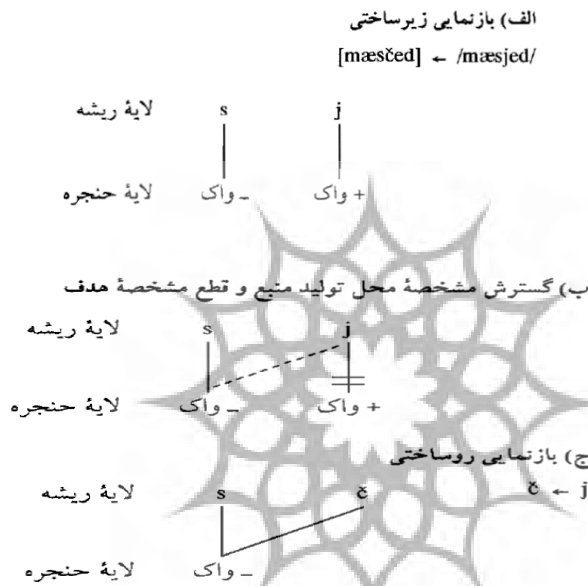
[dasse] → /daste/



نمودار (۶) مراحل بازنمایی غیرخطی همگونی در مشخصه نحوه تولید

۳-۱-۳-۴. همگونی در مشخصه واگذاری

در زبان فارسی این همگونی در بین دو هجا یا در مرز دو واژه وجود دارد. در ادامه با مثالی از گویش جهرمی این نوع همگونی نمایش داده می‌شود (رنجبر و زارع، ۱۳۸۷).



نمودار (۷) مراحل بازنمایی غیرخطی همگونی در مشخصه واک داری

پرتال جامع علوم انسانی

۵. تحلیل داده‌ها

۱-۵ تناوب دو همخوان $L \approx d$

در زبان ترکی گونه زنجان پسوند جمع‌ساز [lar/-lœr] و همچنین پسوند امرساز [la/-lœ] در برخی بافت‌ها با همخوان پایانی ستاک اسمی همگون می‌شوند در جدول (۱) و (۲) نمونه‌هایی از این فرایند همگونی کامل پیش‌رو در مرز دو تکواژ ارائه شده است:

جدول (۱) نمونه‌هایی از تناوب دو همخوان $L \approx d$

ترکی زنجان	افزوده شدن پسوند جمع‌ساز	معنای فارسی
ad	Ad+lar	addar اسم‌ها
komod	Komod+lar	komoddar کمد‌ها
midad	Midad+lar	midadlar مدادها
kard	Kard+lar	kardlar کاردها
Ot	Ot+lar	oddar آتش‌ها
sœbœt	Sabat+lœr	sœbœddœr سبدها
arvat	Arvat+lar	arvaddar زن‌ها
almut	Almut+lar	almuddar گلابی‌ها
Gurut	Gurut+lar	guruddar کشک‌ها

در داده‌های جدول (۲) نیز نمونه‌ای از فرایند همگونی کامل بین دو تکواژ مشاهده می‌شود که در ریشه یک عنصر واجی صورت می‌گیرد، در این صورت همه مشخصه‌های عنصر واجی منبع، به عنصر واجی هدف گسترده خواهد شد. این بدین معنی است که کلیه مشخصه‌های همخوان پایانی (انسدادی، تیغه‌ای و دهانی) به همخوان رسای آغازین کلمه بعد گسترده می‌شود.

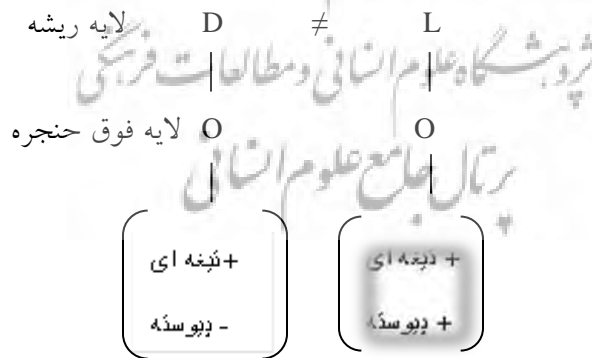
جدول (۲) نمونه‌هایی از تناوب دو همخوان $L \approx d$

ترکی زنجان	افزوده شدن پسوند امری ساز	معنای فارسی
ot	Ot + la	odda آتش بزن
gat	Gat + la	gadda تا کن
gœt	Gœt + lœ	gœddœ تراش کن
xod	Xod + la	xodda شعله رو زیاد کن
gut	Gut + la	gudda انگولک کن
at	At+la	adda رد کن
lut	lut + lœ	luddœ لباسش رو بکن
bat	Bat + lœ	bœddœ بندکن
chid	Chid + la	chidda تخمه بشکن

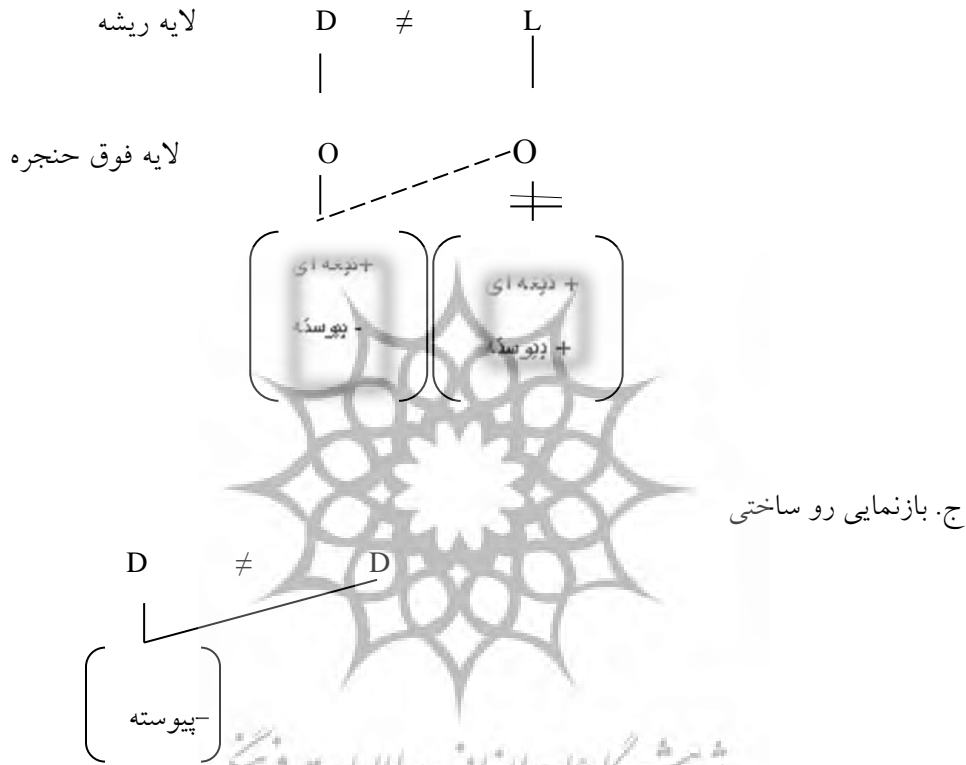
واژه /xodda/ به معنای شعله را زیاد کن نمونه‌ای از این نوع همگونی کامل پیش‌رو است که بازنمایی آن در شکل زیر نمایش داده می‌شود:

Xod + la → **xodda**

الف. بازنمایی زیرساختی



ب. گسترش گره شیوه تولید همخوان [d] منبع به همخوان رسا و هم‌زمان با آن قطع مشخصه همخوان هدف



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۵. تناوب دو همخوان $n \approx L$ **رتال جامع علوم انسانی**

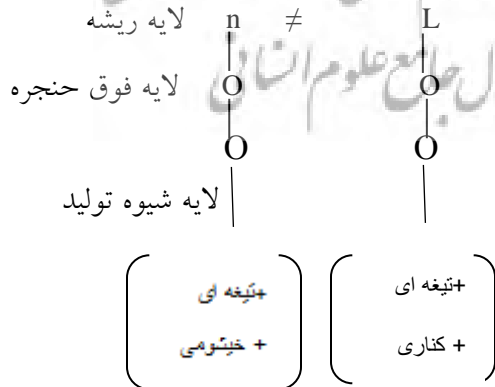
بررسی داده‌ها در زبان ترکی چگونه زنجار بیانگر آن است که همخوان آغازین پسوند جمع‌ساز [lar/-lær] در مرز دو تکواژ با همخوان پایانی در ستاک‌های مختوم به واج خیشومی /n/ همگون می‌شود، نمونه‌هایی از این همگونی در جدول شماره (۳) ارائه می‌شود.

جدول (۳) نمونه‌هایی از تناوب دو همخوان n≈L

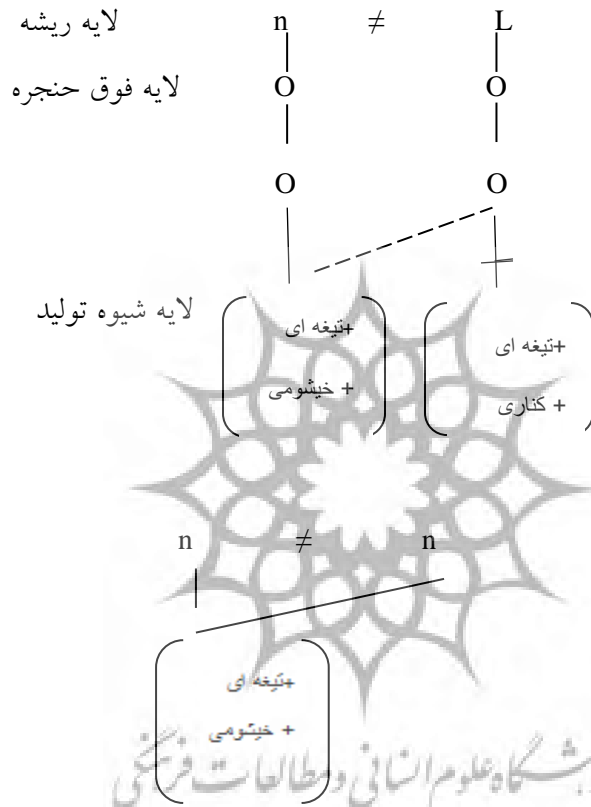
زبان ترکی	افزودن پسوند جمع ساز	معنای فارسی
duman	Duman + lar	dumannar ابرها
gan	Gan + lar	gannar خون‌ها
Burun	Burun + lar	burunnar بینی‌ها
Ilan	Ilan + lar	Ilannar مارها
gujun	Gujun + lar	gujunnar گوسفندها
tsæmæn	Tsæmæn + lær	Tsæmænnær چمن‌ها
dzævan	Dzævan + lar	dzavannar جوان‌ها
oglan	Oglan + lar	oglannar پسرها
yorgan	Yorgan + lar	yorgannar لحاف‌ها

همان‌گونه که از مثال‌های فوق برمی‌آید، اگر همخوان پایانی تکواژ، خیشومی n باشد و تکواژ بعدی با همخوان رسای L شروع شود، همخوان رسا با واج خیشومی همگون می‌شود. این همگونی از نوع همگونی کامل پیش رو است که قاعده غیرخطی آن در نمودار صفحه بعد نشان داده می‌شود.

الف. بازنمایی زیرساختی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



ب. گسترش کل مشخصه [+خیشومی] منبع و هم‌زمان با آن قطع مشخصه واج هدف در اثر همگونی کامل با /n/.



ج. بازنمایی رو ساختی

از مطالعه داده‌های جدول (۳) به این نتیجه می‌رسیم که همگونی کامل بین واج /l/، /n/ صورت گرفته است و شیوه تولید واج /n/ به واج /l/ گسترده شده است. آنچه از مطالعه دو جدول فوق برمی‌آید این است که واج /l/ که دارای مشخصه‌های ممیز (+رسا، +ناسوده، -واکه‌گون، +تیغه‌ای، -پخش و +کناری) هست در مرز دو تکواژ در مجاورت همخوان‌های (+رسا، -ناسوده، -واکه‌گون، +تیغه‌ای، -پخش، +خیشومی) و (-رسا، -ناسوده، -واکه‌گون،

+تیغه‌ای، -پخش، دهانی) با آن‌ها همگون می‌شود. در روش خطی احتیاج به قواعدی جداگانه برای توصیف همگونی واج /l/ با واج /n/ و دو واج /t/, /d/ و در عین حال تعیین صورت زیرساختی داریم ولی در روش غیرخطی زمانی که مشخصه شیوه تولید یک واج به لایه فوق حنجره واج دیگر گسترش پیدا کند همگونی از نوع کامل خواهد بود؛ به این ترتیب که در جداول فوق لایه شیوه تولید همخوان پایانی ستاک به لایه فوق حنجره همخوان کناری /l/ گسترده می‌شود و هم‌زمان با آن لایه شیوه تولید همخوان /l/ حذف می‌شود. این بدان معنی است که همخوان /l/ همه مشخصه‌های خود را از دست می‌دهد و به‌جای آن مشخصه‌های منبع جانشین می‌شود. در نتیجه از همخوان /l/ فقط جایگاه زمان‌مند آن باقی می‌ماند که به همخوان بعدی متصل می‌شود. نهایتاً نمونه‌ای از فرایند همگونی کامل بین دو تکواژ مشاهده می‌شود.

۳-۵. تناوب دو همخوان d≈n

در داده‌هایی از زبان ترکی گونه زنجان مشاهده می‌شود که هرگاه پسوند [dan][dæn] به معنی «از» پس از ستاک اسم قران می‌گیرد، در برخی از بافت‌ها، همخوان آغازی پسوند با همخوان پایانی ستاک همگون می‌شود. در جدول زیر جاهایی که این همگونی اتفاق می‌افتد را بررسی می‌کنیم.

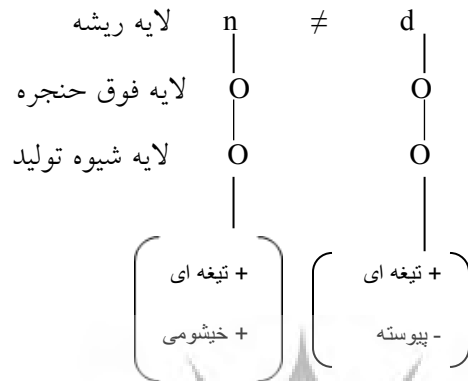
جدول (۴) نمونه‌هایی از تناوب دو همخوان $d \approx n$

معنای فارسی	افزودن پسوند جمع ساز	زبان ترکی
از تو	sænnæn	Sæn + dæn
از من	mænnæn	Mæn + dæn
از آن	onnan	On + dan
از خون	Gannan	Gan + dan
از جان	jannan	Jan + dan
از انسان	adamnan	Adam + dan
از عصر	axšamnan	Axšam + dan
از انگور	yzymnan	Yzym + dan
از پشت‌بام	damnan	Dam + dan

با توجه به تناوب واجی فوق، مشاهده می‌شود که همخوان /d/ با همخوان /n/ و /m/ در مرز دو تکواژ، همگون شده است. این همگونی نیز از نوع همگونی کامل است، به این ترتیب که دو همخوان پایانی دارای ویژگی‌های (+رسا، -ناسوده، -واکه‌گون، +تیغه‌ای، +خیشومی) هستند. این ویژگی‌ها به واج /d/ گسترده شده و باعث قطع هم‌زمان ویژگی‌های واج هدف و ایجاد همگونی کامل شده‌اند. به عنوان مثال بازنمایی غیرخطی واژه /sænnæn/ در زیر نمایش داده می‌شود:

Sæn + dæn → sænnæn

الف بازنمایی زیرساختی

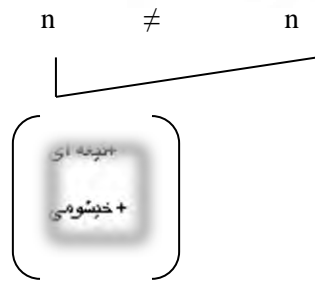


ب گسترش کل مشخصه‌های شیوه تولید منبع به همخوان هدف و هم‌زمان با آن قطع

مشخصه هدف در اثر همگونی کامل



ج بازنمایی رو ساختی



۵-۴. تناوب دو همخوان t/ d≈s

در داده‌هایی از زبان ترکی، گونه زنجان پسوند [sa/sa] در مفهوم التزامی، هرگاه بعد از ستاک فعلی قرار می‌گیرد، در برخی بافت‌ها، همخوان پایانی ستاک با همخوان پسوند همگون می‌شود. بعد از تحلیل داده‌ها بافت و قاعده موردنظر استخراج می‌شود.

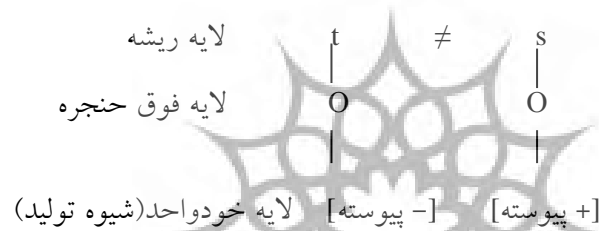
جدول (۵) نمونه‌هایی از تناوب دو همخوان t/ d≈s

زبان ترکی	افزودن پسوند التزامی‌ساز	معنای فارسی
sat	sat + sa	sassa اگر بفروشد
jat	Jat + sa	jassa اگر بخوابد
it	It + sa	issa اگر گم شود
get	Get + sa	gessa اگر برود
bid	Bid + sa	bissa اگر رشد کند
bat	Bat + sa	bassa اگر فروبرود
tsat	Tsat + sa	tsassa اگر برسد
tIIIIt	tIIIIt + sa	tIIIIssa اگر بگیرد
at	At + sa	assa اگر بیندازد

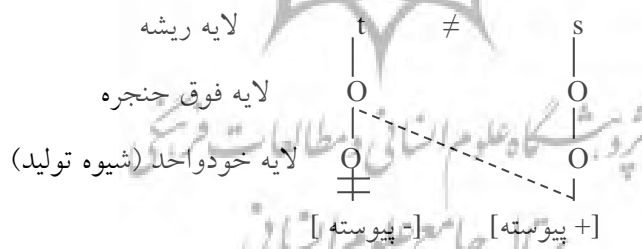
طبق قواعد جهانی و برای سهولت در تلفظ، تمایل بر آن است که در مجاورت یک همخوان سایشی، یک همخوان [+پیوسته] جایگزین همخوان انسدادی و [-پیوسته] گردد. به بیان دیگر، تمایل غالب در فرایند همگون‌سازی از لحاظ شیوه تولید به سمتی پیش می‌رود که آوایی از لحاظ تلفظی آسان‌تر ایجاد شود؛ یعنی آوایی که در جریان تولید هوا انسداد کم‌تری ایجاد نماید (روچ، ۲۰۰۰: ۱۴۰). پس می‌توان نتیجه گرفت که احتمال تغییر یک‌صدای [-پیوسته] به یک‌صدای [+پیوسته] بیش‌تر وجود دارد. در داده‌های جدول (۵)

نوع دیگری از همگونی همخوان با همخوان مشاهده می‌شود که شامل همگونی انفجاری /t,d/ به سایشی /s/ هست، در شرایطی که خوشه‌های همخوانی -ts- و -ds- در مرز دو تکواژ وجود داشته باشد، این نوع همگونی از نوع همگونی کامل است. به عبارت دیگر، هر زمان که همگونی همخوان با همخوان در نحوه فراگویی صورت پذیرد (برای مثال، [پیوسته]، [کناری] و [تیز])، این نوع همگونی، کامل خواهد بود (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

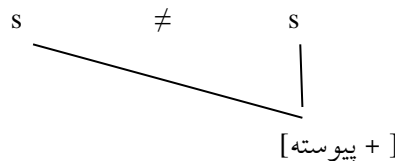
الف. بازنمایی زیرساختی



ب. گسترش کل مشخصه [+پیوسته] منبع به جایگاه مبنای همخوان هدف و هم‌زمان با آن قطع مشخصه [-پیوسته] هدف در اثر همگونی کامل



ج. بازنمایی رو ساختی



گره پیوسته سایشی به گره دهانی انفجاری گسترده و منجر به همگونی کامل می‌شود. اگرچه یک مشخصه پایانی گسترده می‌شود اما به این دلیل که همگونی در نحوه فراگویی روی می‌دهد، انفجاری تماماً به سایشی همگون می‌شود.

۵-۵. تناوب دو همخوان $b \approx m$

در گونه ترکی زنجان هرگاه یکی از پسوند‌های منفی‌ساز [ma/mæ] مصدرساز [max/mac] و اسم‌ساز [madza/mædza] بعد از برخی از ستاک‌های فعلی قرار گیرند، همخوان آغازین پسوند با همخوان پایانی ستاک در مرز دو تکواژ همگون می‌شود.

جدول (۶) نمونه‌هایی از تناوب دو همخوان $b \approx m$

زبان ترکی	افزودن پسوند منفی و مصدر و اسم‌ساز	معنای فارسی
tap	Tap + ma	تپبا پیدا نکن
tap	Tap + max	تپباکس پیدا کردن
tap	Tap + madaz	تپبادزا معما
sæp	Sæp + ma	سەپبە نپاش
sæp	Sæp + max	سەپبەکس پاشیدن
jap	Jap + ma	جاببا نپز
jap	Jap + max	جابباکس پختن
gap	Gap + ma	گاببا قاب نزن
gap	Gap + max	گابباکس قاب زدن

در مثال‌های جدول (۶) با توجه به تناوب واجی فوق، مشاهده می‌شود که لایه بازخوان تولید انسدادی /p/ به خیشومی /m/ گسترده شده و باعث همگونی ناقص شده است.

۶. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر قواعد همگونی همخوان‌ها بر اساس رویکرد کلمنتس و هیوم در زبان ترکی زنجان مورد بررسی قرار گرفت. نگارندگان بعد از تحلیل داده‌ها به دسته‌بندی انواع همگونی در این زبان پرداختند. در این راستا، داده‌هایی که از طریق ارائه پرسشنامه به گویشوران و نیز استفاده از کتب مرتبط جمع‌آوری گردیده بود، مورد بررسی قرار گرفت. سپس مبانی نظری معرفی شد و روش تحقیق مناسب برای تحلیل داده‌ها اتخاذ شد. بعد از تحلیل داده‌ها شاهد تناوب دو همخوان $L \approx d$ بودیم که حاصل همگونی کامل واج انسدادی /d/ و /t/ با کناری /l/ است. این همگونی از نوع پیش‌رو و کامل بین دو تکواژ است؛ به این ترتیب که با گسترده شدن شیوه تولید واج انسدادی کلیه مشخصه‌های همخوان (انسدادی، تیغه‌ای و دهانی) پایانی به همخوان رسای آغازین کلمه بعد گسترده می‌شود. نمونه‌ای دیگر از همگونی کامل پیش‌رو، بین واج /l/, /n/ صورت گرفته و مشخصه شیوه تولید واج /n/ به واج /l/ گسترده شده است. نوع دیگری از همگونی همخوان با همخوان شامل همگونی انفجاری /t, d/ به سایشی /s/ است، در شرایطی که خوشه‌های همخوانی -ts- و -ds- در مرز دو تکواژ وجود داشته باشد، این نوع همگونی از نوع همگونی کامل است و در آخرین مورد، لایه بازخوان تولید انسدادی /p/ به خیشومی /m/ گسترده شده و باعث همگونی ناقص شده است. پس بالاترین فضایی که در آن همگونی همخوان با

همخوان صورت می‌گیرد، گره‌های شیوه تولید است. نهایتاً بعد از تحلیل داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که نظریه هندسه مشخصه‌های واجی در زبان ترکی زنجان هم جامعیت کامل دارد.

فهرست منابع

- آرلاتو، آنتونی (۱۳۷۳) *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرسی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زارع، آمنه و عباس رنجبر (۱۳۸۷) «فرایند همگونی در گویش جهرمی در چارچوب نظریه هندسه مشخصه‌های کلمتس». *مجله گویش‌شناسی*، دوره هفتم، صص ۶۴-۴۷.
- زاهدی، کیوان و فیضیه فنخاریان (۱۳۹۰) «همگونی همخوان‌ها در زبان فارسی نوین: رویکرد واج‌شناسی هندسه مشخصه‌ها». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، دوره دوم، صص ۶۴-۴۷.
- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو (۱۳۸۵/۱۳۹۲) *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده بنیاد*، تهران: سمت.
- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو و الهام ثابتی (۱۳۹۲) «فرایندهای واجی همخوانی در گویش کردی کلهری»، *فصلنامه جستارهای زبانی*، صص ۱۹۱-۲۲۲.
- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو و دیگران (۱۳۹۵) «همگونی همخوان با همخوان در گویش دماوندی: نظریه هندسه مشخصه‌های واجی»، *دو فصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز*، سال اول، شماره اول، صص ۴۳-۷۲.

نوربخش بیدختی، سهیلا و اعظم استاجی (۱۳۹۱) «انگاره هندسه مشخصه‌های واجی در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دوره دوم، صص ۸۵-۶۳.

Clements, G. N. & Hume E. V. (1995) "the internal organization of speech sounds", In Goldsmith, J. A. (ed.), *the Handbook of Phonological Theory*, 245-306. Cambridge, MA: Blackwell Publishers

Clements, G. N. (1985) "the geometry of phonological features", *Phonology Yearbook*, 2, 225- 252.

Goldsmith, J. (1976) "Autosegmental Phonology", Massachusetts Institute of Technology, Ph.D. dissertation: Cambridge. [Published by Garland Press, New York, 1976]

Hardcastle, W. J. and J. Laver (1997) *the Handbook of Phonetic Sciences*, Blackwell.

Hall, T. A. (2008) "Middle High German [rs]>[r] as height dissimilation", *The Journal of Comparative Germanic Linguistics*, 11, 213-248.

McCarthy, J. J. (1988) "Feature geometry and dependency: a review", *Phonetic*, 43, 84-108.

Roach, P. (2000) *English Phonetics and Phonology, A Practical Course*, 3rd ed., Cambridge University Press.